

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۹ اپریل ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

نقش مخرب جمهوری اسلامی در جنبش مردم بحرین و تشدید اختلاف با دولت‌های منطقه:

در هفته‌ای که گذشت، مناسبات سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی با رژیم‌های عربی منطقه خاورمیانه با تنش‌های جدیدی همراه بود. این مناسبات، البته در طول تمام دوران حیات جمهوری اسلامی پرتنش بوده است. علت آن هم خصلت توسعه‌طلبانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی، زیر لوای پان اسلامیسیم برای برقراری رژیم‌های اسلام‌گرای شیعه و یا متمایل به این سیاست بوده است. موج قیام‌ها و انقلاباتی که از تونس برخاست و کشورهای عربی خاورمیانه را فراگرفت، تشنجات جدیدی در روابط جمهوری اسلامی با رژیم‌های این منطقه پدید آورد. جمهوری اسلامی که خود با یک بحران سیاسی و اعتراض و نارضایتی توده‌ئی در داخل روبروست، تلاش نمود از جنبش‌های اعتراضی توده‌های مردم منطقه در خدمت اهداف توسعه‌طلبانه و اسلامی خود بهره‌برداری کند. اما قیام توده‌های زحمتکش کشورهای عربی منطقه، علیه رژیم‌هایی برپا شده است عموماً دولت‌های مذهبی، اما از نوع سنی مذهب آن هستند. شعار عمومی این جنبش‌ها که نان و آزادی‌ست، نشان داد که مردم علیه فقر، گرسنگی، بیکاری، اختناق و دیکتاتوری به پا خاسته‌اند و از دولت‌های اسلام‌گرائی که جز یک مشت رژیم‌های فاسد، مستبد، آدمکش، دزد، چپاولگر، بی‌رحم و ضد انسانی چیز دیگری نیستند، بیزارند. جمهوری اسلامی ایران رسواتر از آن بود که بتواند بر این جنبش‌ها تأثیر بگذارد. بنابراین نه تنها از این بابت چیزی عایدش نشد، بلکه تنها در یک مورد هم که خواست در بحرین نقشی ایفا کند، باعث سرکوب مردم گردید. توده‌های زحمتکش مردم بحرین نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، با

شعار نان و آزادی، به قیام علیه دار و دسته حاکم بر این کشور برخاستند. مردم بحرین خواهان برافتادن تبعیض بر پایه اعتقادات مذهبی، برافتادن اختناق و استبداد حاکم بر این کشور، آزادی و برابری و بهبود وضعیت مادی و معیشتی خود در کشوری هستند که یک دار و دسته کوچک حاکم، تمام ثمرات کار توده‌های کارگر و زحمتکش و درآمدهای حاصل از نفت را به جیب می‌زند. توده‌های زحمتکش مردم بحرین با این مطالبات به قیام روی آوردند.

رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرد از طریق یک گروه ارتجاعی اسلام‌گرای طرفدار خود، این جنبش را منحرف کند و رهبری آن را به دست بگیرد. این دخالت ارتجاعی و خرابکارانه جمهوری اسلامی، بهانه‌ای به دست رژیم حاکم بر این کشور و دیگر شیوخ مرتجع عرب داد که با لشکرکشی به بحرین، جنبش توده‌های زحمتکش مردم این کشور را سرکوب کنند. اما این اقدام جمهوری اسلامی در عین حال روابط سیاسی و دیپلماتیک آن را با تمام رژیم‌های عربی منطقه متشنج‌تر ساخت. در بطن این شرایط بود که شبکه‌های جاسوسی جمهوری اسلامی در کویت کشف گردید و نزاع منطقه‌ای به مرحله‌ای رسید که وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج، متشکل از عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان و قطر، در این هفته جلسه‌ای اضطراری تشکیل دادند، تا جمهوری اسلامی را محکوم کنند. آن‌ها، جمهوری اسلامی را متهم به توطئه علیه امنیت ملی این کشورها، ایجاد ناآرامی، فرقه‌گرایی و درگیری‌های مذهبی کردند. آن‌ها دخالت جمهوری اسلامی را در بحرین و کویت محکوم کردند. کویت سه تن از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را که در ایجاد شبکه‌های جاسوسی دست داشتند، از این کشور اخراج کرد.

جمهوری اسلامی که پیش از این، تهدید نظامی را چاشنی تبلیغات سیاسی خود کرده بود و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با صدور بیانیه‌ای به عربستان هشدار داده بود که با آتش بازی نکند، در پی این تعرض رقبای منطقه‌ای اش عقب‌نشینی کرد و خود را دوست این رژیم‌ها اعلام نمود. رئیس کمیسیون ملی و سیاست خارجی مجلس در گفتگو با رسانه‌ها گفت: «این بیانیه غیر قابل قبول است و سیاست ما در قبال کشورهای عربی عضو خلیج فارس، سیاستی شفاف و روشن است. این که اعلام شده است که ایران سیاست‌های خصمانه‌ای در قبال این کشورها دارد، درست نیست. سیاست ما در قبال آن‌ها دوستانه است و پیوسته در این مسیر حرکت کرده‌ایم و نمونه‌های آن در طول تاریخ قابل اشاره است».

جمهوری اسلامی وظیفه خود را در ضربه زدن به جنبش توده‌های زحمتکش مردم بحرین، از طریق تلاش برای تبدیل کردن آن به نزاع فرقه‌ای سنی و شیعه و در نتیجه کمک به سرکوب این جنبش، همراه با تبلیغات توخالی تهدید نظامی ایفا نمود. حالا پس از انجام این وظیفه ارتجاعی‌اش، دست دوستی به سوی رژیم‌هایی دراز کرده است که این جنبش را سرکوب کردند. این البته درس دیگری برای توده‌های قیام‌کننده مردم منطقه است که در مبارزات خود اجازه ندهند، پای گروه‌های اسلام‌گرا از هر

قماش به جنبش آن‌ها کشیده شود. آن‌ها باید قیام مردم تونس را الگوی خود سازند که آغازگر موج انقلابات و قیام‌ها در شمال آفریقا و خاورمیانه بود. توده‌های مردم تونس به هیچ مرتجع اسلام‌گرایی اجازه ندادند که در جنبش سیاسی آن‌ها انحراف ایجاد کند. گروه‌ها و جنبش‌های ارتجاعی اسلامی، مختص دورانی بود که توده‌های مردم منطقه در خواب به سر می‌بردند. اکنون که آن‌ها بیدار شده و به قیام روی آورده‌اند، خواهان تحقق مطالبات و اهداف اقتصادی و سیاسی خود هستند. این توده‌های کارگر و زحمتکش مردم به آینده‌ای نظر دارند که در آن انسان‌ها به فقر، گرسنگی، بیکاری، استثمار و بی‌حقوقی سیاسی محکوم نباشند. این توده‌های مردم هرگز نمی‌خواهند به قرون وسطا و دوران توحش و بربریت دولت‌های مذهبی عقب‌گرد کنند که در آن‌ها همچون جمهوری اسلامی ایران، اختناق و بی‌حقوقی حاکم باشد. وحشیانه دست و پا و دیگر اجزای بدن انسان را به عنوان مجازات قطع کنند. سلاخ‌خانه‌های آدم‌کشی اسلامی راه بیندازند و روزانه انسان‌ها را اعدام کنند و به دار بکشند. یک مشت مرتجع فاسد و دزد بر مردم حکومت کنند، ثروت‌های افسانه‌ی بیندوزند و توده‌های کارگر و زحمتکش در فقر و گرسنگی به سر برند.

دوران اسلام‌گرایی به پایان رسیده است. جمهوری اسلامی نیز دیگر امیدی به ادامه بقای خود ندارد. تمام تلاش‌های مذبحخانه‌اش برای نجات خود با شکست روبرو خواهد شد. اقدامات خرابکارانه آن در جنبش بیداری مردم منطقه، جز شکست چیزی عایدش نخواهد کرد. این اقدامات بالعکس وضعیت این رژیم را بحرانی‌تر خواهد ساخت و بر انفراد بین‌المللی آن خواهد افزود. افزایش تنش در مناسبات جمهوری اسلامی و رژیم‌های عربی منطقه هم بازتابی از همین واقعیت است. جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود، در دریای پرتلاطم سیاسی کنونی به حیات ننگین خود ادامه دهد. عصر اسلام‌گرایی و رژیم‌های اسلام‌گرا به پایان رسیده است.

افزایش درگیری‌های نظامی در کردستان

درگیری‌های نظامی در کردستان در حال افزایش است. در چند روزی که از آغاز سال جدید می‌گذرد، موارد متعددی از عملیات نظامی در شهرها و روستاهای کردستان علیه نیروهای نظامی و سرکوب جمهوری اسلامی رخ داده است. هیچ گروهی تاکنون مسئولیت این عملیات را به عهده نگرفته و جمهوری اسلامی هم جز حدس و گمان چیزی نگفته است. در یک مورد پژاک با انتشار اطلاعیه‌ای مسئولیت حمله به یک پایگاه نظامی رژیم را در ۱۱ فروردین [حمل] به عهده گرفته و اعلام کرده است که این عملیات "در پاسخ به اعدام وحشیانه رفیق حسین خضری در زندان ارومیه و ایجاد فشار بر خلق کرد" انجام گرفته و در جریان آن ۹ تن از نیروهای رژیم کشته و تعدادی زخمی شدند. در طول هفته‌ای که گذشت، تنها در فاصله ۴۸ ساعت در چهار مورد پاسگاه‌های رژیم مورد حمله قرار گرفته و تعدادی از نظامیان مستقر در این پایگاه‌ها کشته و زخمی شدند.

روز سیزدهم فروردین، پاسگاه کانیکبود در منطقه مریوان مورد حمله قرار گرفت که طبق اطلاعات انتشار یافته از سوی رژیم، ۴ تن از نظامیان جمهوری اسلامی کشته و دو تن دیگر مجروح شدند. روز سه‌شنبه نیز پاسگاه مرزی دولابی مورد حمله قرار گرفت که یک تن کشته شد. پیش از این در شهر سنندج واحدهای گشتی پولیس جمهوری اسلامی مورد حمله افراد مسلح قرار گرفت که دو پولیس به ضرب گلوله کشته و تعدادی هم مجروح شدند. روز ۱۴ فرودین نیز افراد پولیس مورد حمله قرار گرفتند که تعدادی کشته و زخمی داشت.

معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور گفت: «حمله به پاسگاه مرزبانی با دو مورد حمله مسلحانه به مأموران پولیس در سنندج متفاوت است»، اما افزود که «هنوز کسی مسئولیت این حمله را به عهده نگرفته است». خبرگزاری مهر از قول فرماندهی مرزبانی جمهوری اسلامی گزارش کرد که ظرف مدت ۴۸ ساعت گذشته ۴ مورد درگیری در منطقه غرب کشور اتفاق افتاده است. نامبرده گفته است «که سه مرحله از این درگیری‌ها با گروه‌های تروریستی بوده و یک مرحله آن گروه‌های قاچاقچی بوده‌اند.» وی افزود در یک مرحله قصد تصرف پایگاه کمین را داشتند که در این درگیری ۴ نظامی کشته و سه تن مجروح شدند. وی همچنین گفت که در سه‌شنبه شب، در غرب کشور درگیری رخ داد که یک ساعت به طول انجامید. افرادی قصد ورود غیر مجاز به کشور را داشتند که متواری شده و ۱۸۷ قبضه سلاح در این ارتباط کشف شد. ناگفته نماند که اخبار و اطلاعات ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی، همواره تحریف شده اخبار واقعی است. نمونه بارز آن همین کشف ۱۸۷ قبضه سلاح است. اگر آن‌گونه که رژیم می‌گوید، این حملات از سوی مخالفان جمهوری اسلامی‌ست و یک ساعت درگیری ادامه داشته، نمی‌شود ۱۸۷ قبضه سلاح به دست جمهوری اسلامی بیفتد و حتا یک نفر در این میان کشته نشده باشد.

جمهوری اسلامی، معاون امنیتی وزیر کشور را به همراه معاون فرماندهی پولیس، معاون وزارت اطلاعات و اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس روانه کردستان کرد تا اوضاع را مودر بررسی قرار دهند و تصمیم بگیرند که چه کنند. نتیجه کار آن‌ها نیز به روال گذشته چیز دیگری جز افزایش فشار و سرکوب در کردستان و توپ‌باران روستاهای مرزی کردستان عراق نبود.

اما اگر این اقدامات برای رژیم نتیجه‌ای دربرمی‌داشت، اکنون با یک موج عملیات مسلحانه در کردستان روبرو نبود. جمهوری اسلامی ۳۲ سال است که با سرکوب و کشتار مردم کردستان و نظامی کردن تمام شهرها و روستاهای این منطقه، تلاش نموده اوضاع را در این منطقه به نفع خود آرام کند. اما هیچ‌گاه موفق نشده و نخواهد شد. چرا که با زور و سرکوب نمی‌توان مردمی را که خواست‌های به حقی دارند، به سکوت و آرامش واداشت. اکنون نیز مستقل از این که عملیات نظامی توسط چه گروه یا گروه‌هایی انجام می‌گیرد، نشان از نارضایتی مردم کردستان است. این نارضایتی و اعتراض از میان نخواهد رفت، مگر آن که خواست‌های مردم کردستان تحقق یابد. توده‌های مردم کردستان از یک طرف

مطالباتی اقتصادی و سیاسی همانند عموم مردم سراسر ایران دارند و از طرف دیگر مطالباتی منحصر به خود، علیه ستمگری ملی. این مطالبه اخیر واقعاً چیست؟ مردم کردستان خواهان برابری تمام ملیت‌های ساکن ایران و برافتادن تبعیض هستند. آن‌ها می‌خواهند اداره امور منطقه در دست خودشان باشد و از طریق شوراها سرنوشت‌شان را در دست خود بگیرند. مردم کرستان می‌خواهند حاکمیت تک‌زبانی اجباری برافند، تا بتوانند آزادانه به زبان خود سخن بگویند. با همین زبان تحصیل کنند و در نهادهای محلی و مجامع عمومی از آن استفاده نمایند. آن‌ها می‌خواهند از طریق نمایندگان منتخب خود در تصمیم‌گیری‌های عمومی و سراسری نقش داشته باشند و تاثیرگذار باشند. آن‌ها می‌خواهند به عقب‌ماندگی‌های این منطقه پایان داده شود و مردم از امکانات رفاهی برخوردار باشند.

جمهوری اسلامی که یک رژیم ارتجاعی‌ست، این مطالبات به حق توده‌های مردم کردستان را بر نمی‌تابد. به سرکوب متوسل می‌شود تا مبارزه مردم را برای تحقق این مطالبات متوقف سازد. اما این سیاست از همان آغاز با شکست روبرو شده است. راه حلی برای مسأله کردستان، به جز تحقق مطالبات توده‌های مردم این منطقه وجود ندارد. تنها یک حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان است که به فوریت این مطالبات را عملی خواهد ساخت.

روضه‌خوانی احمدی‌نژاد

احمدی‌نژاد عصر دوشنبه این هفته، در یک جلسه خبری حاضر شد تا به سؤالات خبرنگاران که عموماً از اصحاب و پامنبری‌های رسانه‌ای وابسته به رژیم‌اند، پیرامون مسایل و سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی پاسخ دهد.

در واقعیت، به روال پیشین، صحبت‌های احمدی‌نژاد به یک روضه‌خوانی شبیه بود و بخش زیادی از این گفت و گوی طولانی، تکرار حرف‌هایی بود که وی از آغاز سال جاری مکرر بر زبان آورده است. او بار دیگر برای مردمی که به ادعاهای بی‌اساس وی در مورد بهبود اوضاع اقتصادی و پیشرفت‌های کذائی باور ندارند، تکرار کرد که "سال گذشته سالی پرشکوه بود و گردنه‌هایی از علم و فناوری در بخش‌های گوناگونی از فرهنگ و اقتصاد طی شد، پیشرفت‌های فراوانی به دست آمد"، برای جمعیت عظیمی از بیکاران، شغل ایجاد شد و برای بی‌خانمان‌ها، مسکن.

حالا اگر توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران، وضعیت مادی و معیشتی خود را معیار صحت و سقم هر ادعائی قرار می‌دهند، بیکاران هم بر همین منوال و از همین رو به ادعاهای پوشالی احمدی‌نژاد باور ندارند، تغییری در موضع او نمی‌دهد. او که در مکتب آخند و اسلام ناب محمدی پرورش یافته، به این عقیده استوار است که می‌توان همانند یک روضه‌خوان، با تکرار مکرر دروغ‌ها و جعلیات، آن‌ها را به عنوان حقیقتی مسلم جا زد.

احمدی‌نژاد در بخش دیگری از صحبت‌های خود، به ادامه سیاست اقتصادی نئولیبرال در سال جدید پرداخت و از به اصطلاح تحولاتی که باید انجام بگیرد. او گفت در اوایل هدفمندی یارانه‌ها هستیم و در ۳ سال آینده قریب به اتفاق سیستم‌های تولید اصلاح خواهد شد. در سال جاری برنامه هدفمندی‌سازی یارانه‌ها با گستردگی بیش‌تری ادامه می‌یابد و سیستم مالی، مالیاتی و بانکی را در بر خواهد گرفت.

احمدی‌نژاد در مورد تاثیر تحریم‌ها بر اوضاع اقتصادی نیز حرف‌های گذشته خود را تکرار کرد و آن‌ها را بی‌تاثیر نامید. تهدیدهای توخالی نیز بخش دیگری از گفت و گوی او را تشکیل می‌داد. تهدید کرد که اگر تحریم سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایرانی در تعدادی از فرودگاه‌ها ادامه یابد، جمهوری اسلامی نیز مقابله به مثل خواهد کرد.

مضحک‌ترین بخش مصاحبه احمدی‌نژاد در مورد تحولات سیاسی خاورمیانه بود.

مجسم کنید در کشوری که هر کوری هم می‌داند کارگران با وحشیانه‌ترین استثمار سرمایه‌داری روبرو هستند، دستمزد عموم کارگران زیر خط فقر قرار دارد و همین دستمزد ناچیز هم مدام در تعدادی از کارخانه‌ها به تعویق می‌افتد، رژیم سیاسی پاسدار این نظم اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری، جمهوری اسلامی، کارگران را از ابتدائی‌ترین حقوق محروم نموده، حق اعتصاب و ایجاد تشکل مستقل را ندارند، کارگران را سرکوب و به زندان می‌اندازد و صدها کارگر را تاکنون اعدام کرده است، احمدی‌نژاد بخواهد در نقش مخالف سرمایه‌داری حرف بزند و خود و رژیمش را ضد سرمایه‌دار معرفی دارد! احمدی‌نژاد گفت: این فقط امپریالیست‌ها و استعمارگران هستند که "هدف آن‌ها نجات سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری" است. یعنی که گویا احمدی‌نژاد و جمهوری اسلامی مخالف سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری‌اند!

وقتی که میلیون‌ها کارگری که در ایران روزمره توسط سرمایه‌داران استثمار و توسط جمهوری اسلامی سرکوب و به بند کشیده شده‌اند، و می‌دانند که احمدی‌نژاد، جز یک مهره در خدمت طبقه سرمایه‌دار نیست، این اظهارات احمدی‌نژاد را شنیدند، البته تعجب نکردند، چرا که می‌دانند احمدی‌نژاد یک شارلاتان سیاسی، سمبل دولت دینی جمهوری اسلامی است. همان‌گونه که عموم توده‌های مردم ایران نیز وقتی که روز پنجشنبه شنیدند که او در کرمانشاه، جمهوری اسلامی را که بی‌رحم‌ترین رژیم دیکتاتوری ضد انسانی کنونی است، "دولت آزادی و آزادی" نامید تعجب نکردند. چرا که اکنون عموم توده‌های مردم ایران خوب می‌دانند که بنیان یک دولت مذهبی پاسدار نظام سرمایه‌داری بر کثیف‌ترین فریب و دروغ و بی‌رحمانه‌ترین سرکوب و اختناق قرار گرفته است. احمدی‌نژاد شاگرد خمینی و دست پرورده دستگاه فریب و تحمیق مذهبی است. دولت دینی جمهوری اسلامی نمی‌تواند شارلاتانی مناسب‌تر از احمدی‌نژاد پیدا کند